

از صنعت به فتوت

(بحثی در مفهوم صنعت با تکیه بر منابع اهل فتوت)



حکم فرما بوده است؟

این سؤالات، مجموعه پرسش‌های ویژه‌تری را نیز در پی دارند که زاینده پرسش اصلی‌اند. پاسخ به این سؤالات، اعم از اصلی یا ویژه، ارتباط مشخصی با نحوه مواجهه پاسخ‌دهنده با مفاهیمی همچون هنر اسلامی یا صنایع‌دستی دارد. بی‌شک نیاز است جمله اخیر دقیق‌تر تبیین شود زیرا دو عدسی کاملاً متفاوت برای مواجهه با مفاهیم کلیدی در حوزه هنر ایرانی وجود دارد که برجشم نهادن هریک از این عدسی‌ها (به تعبیر امروزی عینک) نتیجه‌ای متفاوت به دست می‌دهد. بیان ساده‌تر موضوع آن است که به هنر اسلامی (و البته شکل‌های مستقل یا زیرمجموعه‌های هم‌ارز یا مرتبط با آن مانند صنایع‌دستی، هنر سنتی و غیره) می‌توان از منظر سوپرتکیو (عینی‌گرایی) یا ابژکتیو (ذهنی‌گرایی) نگاه کرد؛ خروجی هر یک از این منظرها کاملاً متفاوت است. این تمایز را می‌توان با یک مثال ساده تبیین کرد

نظر درباره جنبه‌های تمایز صنایع‌دستی ایران می‌تواند در سه ساحت فوق بررسی شود؛ به این معنی که هدف، شکل ظاهری و فناوری سه رکن تمایزبخش در صنایع‌دستی ایران هستند که هریک نیاز به بررسی تفصیلی و هوشمندانه دارد.

نگارنده در این نوشته سعی دارد وجه ممیزه صنایع‌دستی ایرانی را از منظر هدف بررسی نماید. همان‌طور که بالاتر اشاره شد، شناخت هدف در صنایع‌دستی نیز جنبه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد. آنچه در این مقاله منظور نظر نویسنده است، بررسی صنایع‌دستی از حیث نرم‌افزارهای فکری است که در طول تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی به آن شکل و تشخیص داده است. به عبارت دیگر این مقاله در پی ارائه گفتارهایی (و نه ارائه پاسخ‌های قطعی) به سؤالاتی از این دست است که:

- اساساً صنعت در تفکر ایرانی بعد از اسلام به چه چیزی اطلاق می‌شده؟ این واژه دقیقاً به چه معناست؟
- چه آیین‌نامه‌ها و قواعدی بر این صنایع

این مقاله تلاش دارد مفهوم صنعت را از منظر سنت‌گرایان تبیین کند. به عبارت دیگر می‌کوشد تا جنبه معنوی حاکم بر صنایع‌دستی را به‌عنوان یک شاخص تمیزدهنده معرفی کرده و ریشه‌های آن را برملا سازد، اما توجه به این نکته ضروری است که بررسی موضوع از این منظر، منافاتی با ارائه مستندات تاریخی ندارد، کما اینکه مؤلف می‌کوشد به اقتضای نوشته خود از توجه به زمینه‌های تاریخی غفلت ننماید.

حسن یزدان‌پناه

عضو هیئت‌علمی گروه کتابت و نگارگری و معاون پژوهشی
دانشکده صنایع‌دستی دانشگاه هنر اصفهان

مقدمه

هنرها در شکل‌ها و انواع مختلفی پدید آمده‌اند: هنرهای مرتبط با ادبیات (نظم، نثر، داستان و غیره)، هنرهای موسیقایی (اعم از سنتی، نوگرا و غیره)، هنرهای نمایشی (تئاتر، سینما)، هنرهای کاربردی (معماری، عکاسی، طراحی، صنعتی و غیره) و هنرهای تجسمی (نقاشی، پیکره‌سازی و غیره).

صنایع‌دستی ازجمله آثار هنری است که هر دو جنبه تجسمی و کاربردی را در برمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر صنایع‌دستی محل تلاقی هنرهای کاربردی و هنرهای تجسمی است. اگر جنبه زیبایی در این آثار غلبه یابد، عنوان صنایع مستظرفه به آن‌ها داده می‌شود؛ مانند آنچه در آثار تذهیب، نگارگری و تشعیر دیده می‌شود، اما چنانچه در این برهم‌کنش دوسویه، جنبه کاربردی از وزن بیشتری برخوردار شود، در این صورت به آن صنایع (هنرهای صناعی) می‌گویند؛ مانند ابزارسازی، چاقوسازی و غیره از منظر دیگر صنایع‌دستی حاصل آمیختگی سه عامل است:

- هدف (اهداف مادی مثل رفع نیازهای معیشتی یا اقتصادی، اهداف معنوی مانند تجلی باورها و آداب‌ورسوم)،
- شکل ظاهری (بروز جنبه‌های زیباشناسانه در سه سطح زمینه یا بستر کار، متن یا نقش و نگار اصلی، آرایه یا اجزای الحاقی برای تزیین)،
- فناوری (شامل انواع مواد و مصالح، نحوه تولید).

در همین راستا می‌توان گفت که بحث و

مترادف با مفهوم «زیبایی» مطرح می‌شود و البته مفهوم «تجلی» نیز کلیدی‌ترین مفهوم بعد از «حُسن» در مباحث زیبایی‌شناسی در عالم اسلام است. البته در این زمینه باید به چند نکته توجه داشت؛ زیرا معادل هنر در تفکر غربی واژه art است، حال آنکه مفهوم art در نظام فکری اسلامی مصداق ندارد. هنر (art) و زیبایی‌شناسی مدرن، کانتی است؛ یعنی زیبایی کاملاً بر محور سوژه یعنی انسان

نشده، اما در آثار حکمی و عرفانی، اشاراتی در زمینه زیبایی و بعضی از هنرها دیده می‌شود. چون اساساً درک زیبایی در عالم اسلام تابع نوعی نگرش عرفانی بوده است. در واقع عرفا بودند که معنای زیبایی اسلامی را در عالم اسلام مطرح کرده‌اند که با واژگان کلیدی همچون حُسن، تجلی و عشق معنا می‌یابد. واژه‌ی «حُسن» در اصطلاح‌شناسی موجود در آثار عرفانی در کنار واژگانی نظیر «جمال» و «بهاء»

تا مخاطب بهتر بتواند جنبه‌های آن را درک کند؛ به‌عنوان نمونه، زمانی که «گنبد مسجد شیخ لطف‌الله» به‌عنوان تجلی کثرت در وحدت معنا می‌شود، از منظر سوپزکتیو یا (عینی‌گرایی) به آن نگریده شده است، اما هنگامی که با همان گنبد با تکیه بر مستندات تاریخی (باستان‌شناسی) به‌عنوان ادامه‌ی تکامل یافته از چهارطاقی‌های ساسانی تحلیل می‌شود، به‌واقع از منظر ایزکتیو یا ذهنی‌گرایی به آن نگریده شده است. **دو گرایش غالب در مواجهه با مبانی نظری هنر اسلامی و طبیعتاً پیرو آن مفهومی چون صنایع‌دستی وجود دارد:**

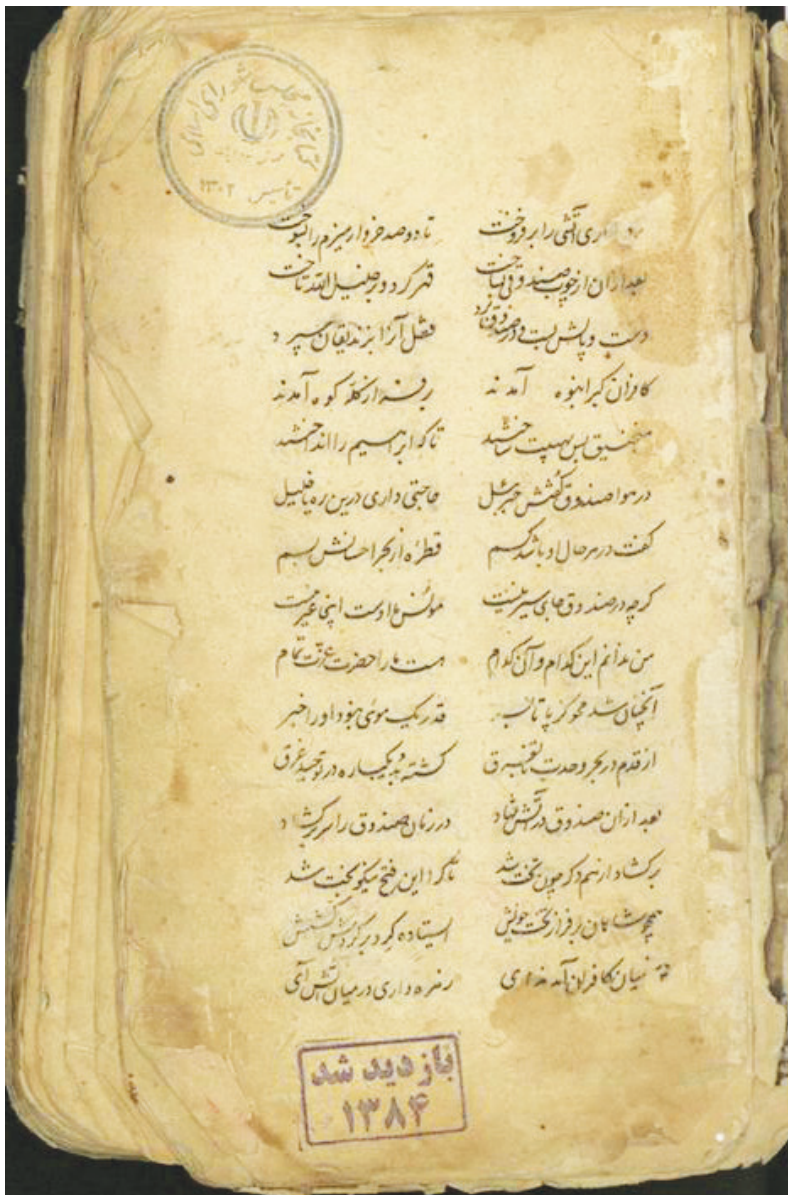
۱- گرایش سنت‌گرایان که به تعبیری تجلی نگاه ذهنیت‌گرایی است و افرادی همچون رنه گنون، تیتوس بورکهارت، هانری کرین، سید حسین نصر، نادر اردلان، لاله بختیار و حتی پژوهشگران معاصر همچون حسن بلخاری قهی را شامل می‌شود.

۲- گرایش تاریخ‌گرایان که سعی در برخورد تاریخ‌مندانانه و به تعبیری باستان‌شناسانه و مبتنی بر مستندات دارند. افرادی همچون آندره گدار، تری آلن، گلرو نجیب اوغلو و پژوهشگران امروزی همچون یعقوب آژند.

این مقاله تلاش دارد مفهوم صنعت را از منظر سنت‌گرایان تبیین کند. به‌عبارت‌دیگر می‌کوشد تا جنبه معنوی حاکم بر صنایع‌دستی را به‌عنوان یک شاخص تمیزدهنده معرفی کرده و ریشه‌های آن را برملا سازد، اما توجه به این نکته ضروری است که بررسی موضوع از این منظر، منافاتی با ارائه مستندات تاریخی ندارد، کما اینکه مؤلف می‌کوشد به اقتضای نوشته خود از توجه به زمینه‌های تاریخی غفلت ننماید.

بحث و نظر^۱

۱- تعریف هنر از دیدگاه اسلامی و به‌تبع آن تعریف مقولاتی نظیر فلسفه یا زیبایی‌شناسی در عالم اسلام، بسیار دشوارتر از تعریف این مفاهیم در نظام فکری غرب است. تعریف این مفاهیم در متون فقهی اسلام به‌صورت مستقل مطرح نشده است؛ از سوی دیگر در متون کلامی نیز اساساً چنین مواردی طرح



● فتوت‌نامه منظوم - تاریخ کتابت: قرن ۱۱ ق.

می‌چرخد. عالم خارج در این دیدگاه حکم ابژه آن سوژه را دارد. به‌عبارت‌دیگر زیبایی‌شناسی مدرن مبتنی بر سوژه‌کنیوتیبه یا اصالت دادن به سوژه است. تعریف هنر در نظام فکری اسلامی معادل فن، صنعت یا تخته است؛ بنابراین اگر بیان می‌شود که در فتوت‌نامه‌ها منش هنرآموزی توضیح داده شده است، منظور فراگیری فوت‌وفن یک صنعت یا پیشه است که طبق آیین‌نامه‌های معنوی و عرفانی در قالب فتوت‌نامه‌ها مدون شده است. «تخته» در عرف یونانی به نحوه‌ای از دانستن یا نوعی از دانایی اشاره دارد که بر اساس آن، اثر هنری به معنای عام وجود می‌یابد. یونانیان لفظ تخته را به معنایی بسیار عام برای امور مختلفی مثل شعر، معماری، نقاشی، تاریخ، حکومت‌داری و سخنوری به‌کار برده‌اند. همه‌ی این‌ها ذیل عنوان تخته آمده است؛ زیرا همه‌ی این‌ها یک نحو تولید را در برداشت، یعنی کاری که به‌واسطه آن چیزی پدید می‌آید و از حالت ناپیدایی خارج می‌شود. به این دانایی تخته می‌گفتند که در مفهوم آن نوعی معرفت نهفته بود. مفهوم تخته در سرزمین‌های اسلامی به مفهوم صنعت یا فن تبدیل می‌شود. رساله صنایع میرفندرسکی و بحث صنایع لطیفه ملاصدرا به‌خوبی نشان می‌دهند که مفهوم هنر در نظرگاه این حکما در قالب صنعت یا فن نمود یافته است. نیاز صنعت‌گران به معنای حکمی و نظری صنعتشان که بر اثر وحدت درونی صناعات با فلسفه و حکمت به وجود آمده بود، خود ضرورتی انکارناپذیر در رجوع اهل صنعت به حکما بوده است.

رساله صنایع مشهورترین اثر میرفندرسکی که به نام حقایق‌الصنایع نیز مشهور است از بهترین و جامع‌ترین آثاری است که از جانب یکی از بزرگان حکما و عرفا و دانشمندان مسلمان، مستقلاً در موضوع صنعت نگاشته شده است. یکی از مسائل اصلی میرفندرسکی در ترغیب به کار و تجدید صناعات، احیای اصناف صنعتگر از طریق احیای همین طریقه‌های فتوت است که به دنبال تضعیف تصوف در دوره‌ی صفویه رو به اضمحلال نهادند. صنعت با این سعه معنایی، از نبوت و حکمت و خلافت تا آهنگری

و کاتبی و گزربری را در برمی‌گیرد. ولی این‌ها در عرض یکدیگر نیستند.

ملاصدرا قطعاً یکی از معدود فیلسوفان عالم اسلام است که اولاً هم صنعت را هنر دانسته و هم هنر را صنعت و ثانیاً برای هنر به‌مثابه صنعت، نقش اجتماعی، فرهنگی و حتی عرفانی قائل شده است. او هنر را نه به معنای متعارف شرقی - به معنای کمالات انسانی بلکه به معنای خاص آن یعنی به معنای ساخت‌وسازهای زیبایی‌شناسانه موردتوجه قرار داده است و آنچه را که ما امروزه به‌عنوان هنر می‌شناسیم، به صنایع لطیفه تعبیر کرده است. صنعت و صنعت‌گری در عصر ملاصدرا ماشینی نبوده است و همه مراحل آن با دخالت مستقیم دست انسان انجام می‌شد، اما قابل تأمل است که این فیلسوف صنعتگر را با توجه به تولیدات و ساخت‌وسازهایش هنرمندی می‌داند که فعالیت‌هایش کاملاً زیبایی‌شناسانه است و رابطه بین صنعتگر و مصنوعش را کاملاً هنری دیده است. ملاصدرا در کتاب اسفار اربعه و در بحث عشق‌شناسی به اقسام و شعبات عشق اشاره کرده و می‌گوید: «و منها محبه الصناع فی اظهار صنائهم و حرصهم علی تتمیمها و شوقهم الی نحسینها و تزینینها کانه شی غریزی لهم لما فیها مصلحه الخلق و انتظام احوالهم» (حب صنعتگران به ارائه اثر خویش است، این حب و عشق به‌گونه‌ای است که هنگامی آن‌ها دست‌به‌کار ساخت‌وساز می‌شوند و مشغول تولید و خلق اثر می‌گردند، حرص پیدا می‌کنند؛ یعنی لحظه‌به‌لحظه به شوق تا آن حد است که انگار ارائه اثر و به ظهور رساندن آن امری غریزی است و البته در این نوع محبت، مصلحت خلق وجود دارد و به سبب آن احوال آن‌ها انتظام پیدا می‌کند).

۲- اگر قرار باشد تعریفی از زیبایی و هنر در نظام فکری اسلامی بیان شود، این توضیحات در متون عرفانی از جمله فتوت‌نامه‌ها فرصت ظهور یافته است. تعریف هنر و زیبایی از منظر اسلام در متون فقهی به‌صورت مستقل مطرح نشده است ... و صرفاً در آثار حکمای مسلمان بویژه آن حکمایی که گرایش‌های عرفانی دارند، کم‌وبیش مطالبی راجع به زیبایی آمده

است، ولی در آثار عرفاست که جدی‌ترین و مستقیم‌ترین مباحث درباره هنر و زیبایی به چشم می‌خورد. در حقیقت بحث زیبایی و هنر را فقط در آثار عرفانی و حکمای اهل عرفان می‌توان پیدا کرد. چون اساساً درک زیبایی در عالم اسلام تابع نوعی نگرش عرفانی بوده است. در واقع عرفا بودند که معنای زیبایی را در عالم اسلام پروردند. یکی از محمل‌های تجلی مباحث نظری درباره صنایع در کتاب‌های موسوم به فتوت‌نامه است که می‌توان از آن به‌عنوان آیین‌نامه‌های صنفی صنایع یاد کرد. نکته مهم این است در فتوت‌نامه‌ها در تمام این موارد هیچ تفکیکی بین نجاری، نقاشی، موسیقی، خوانندگی، خطاطی و غیره نمی‌بینند؛ به‌عبارت‌دیگر در واقع تفاوتی میان هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی نیست.

۳- «فتوت» از واژه «فتی» مشتق شده و اسم مصدری است که صفت آن «فتی» به‌صورت فتیان، فتیه و فتیات به معنای جوان، غلام و کنیز در قرآن کریم به کار رفته است. به‌عبارت‌دیگر فتوت صفتی است که از کلمه (فتی) مشتق شده. بر این اساس واژه «فتی» نیز کلمه‌های عربی است که بر مفهوم جوانی از سنین شانزده تا سی‌سالگی دلالت دارد. معادل فارسی آن «جوان» و معادل لاتینش «Juvenis» است. اصطلاحاً آن را برابر نهاد «جوانمرد» می‌دانند بر این اساس واژه «فتوت» به معنای «جوانمردی» خواهد بود و «اهل فتوت» یا «فتیان» همان جوانمردان یا پیروان آیین جوانمردی هستند. البته درباره اطلاق واژه جوان از حیث کم سن و سالی به واژه فتی اختلاف‌نظر وجود دارد؛ به‌عنوان‌مثال دکتر سید حسن نصر در این‌باره می‌گوید: «بیش از آنکه جوانی از حیث جسمانی موردنظر باشد منظور از جوانی، سرزندگی جاودانی حیات روح است». واژه فتوت از دو منظر عرفانی و تاریخی قابل بررسی است: از منظر نخست با ریاضت، تهذیب نفس، جوانمردی و مخالفت با نفس همراه است و از منظر دوم یا تاریخی با چهار گرایش فکری و جریان اجتماعی در سده‌ی سوم هجری قمری پیوند دارد که حلقه‌ی وصل آن‌ها، گرایش به زهد و عرفان بوده

راه دیگری برای خود برمی‌گزیند. به‌گونه‌ای که فتوت به تصوفی بدل می‌شود که راه و رسم‌های آن ساده و عملی و درخور فهم پیشه‌وران و صنعت‌گران است. از همین روی، کاشفی «علم فتوت» را شعبه‌ای از علم تصوف می‌خواند. این پیوند تا بدانجا پیش می‌رود که بزرگان متصوفه همواره تصوف را برای خواص و جوانمردی (فتوت) را برای عموم می‌دانستند و هر دو را با هم ترویج می‌کردند؛ در واقع فتوت، نوعی تصوف عامیانه بود. ارتباط بین تصوف و تشکیلات فقیان جریانی پیوسته بوده است تا آنجا که قزلباش‌های مرید شاه‌اسماعیل صفوی نیز پیرو آیین فتوت و دارای تشکیلات منظمی بودند.

۵- هر صنفی از اصناف اهل فتوت، فتوت‌نامه خاص خود را داشته است که آداب خاص مربوط به حرفه آن‌ها در آن فتوت‌نامه ذکر شده است. البته تمامی این مسائل و دستورها در فتوت‌نامه‌ها ذکر نگردیده است، بلکه در رسایل عرفانی هم آمده است. **الگوهای مختلفی در فتوت‌نامه‌ها برای طبقه‌بندی اصناف ارائه شده است که از این بین می‌توان به سه دیدگاه شاخص اشاره کرد:**

الف) الگوی اخوان‌الصفاء: صنایع در رسائل اخوان‌الصفاء بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده‌اند؛ که دو نوع است: صنایع روحانی (شامل کارهای فکری) و صنایع جسمانی که دربرگیرنده کارهای دستی است و خود این نیز به صنایعی که موضوع آن‌ها بسیط یا مرکب است تقسیم می‌شود. همچنان که ادوارد براون در کتاب تاریخ ادبی ایران یاد می‌کند، اخوان‌الصفاء، از آن‌رو به ترکیب و تألیف عقاید و جمع آرای مختلف برانگیخته شدند که معتقد بودند حقیقت، خواه مذهبی خواه فلسفی خواه علمی، در همه حال یکی است. دمشق‌ها حرفه‌ها را بر مبنای نیاز آن‌ها به فکر و حرکت تقسیم می‌کند؛ بنابراین، صنایع با علمی است که به فکر نیاز دارد (مانند هندسه و نحو) یا علمی که نیازمند حرکت است (مانند کشاورزی و بافندگی) یا به فکر و عمل توأم نیاز دارد (مانند پزشکی و نوپسندگی). اخوان‌الصفاء که انجمنی مخفی از علما و دانشمندان بزرگ ایرانی

است؛ به عبارت دقیق‌تر در ادوار مختلف تاریخی ایران در دوره اسلامی (مانند سلجوقی، ایلخانی، تیموری، صفوی) هر صنعتی (شغلی یا صنفی)، فتوت‌نامه مربوط به خود را داشته است که این فتوت‌نامه‌ها در مورد اصول و آداب اخلاقی بوده است که طالب ورود به آن صنعت می‌بایست آن اصول و آداب را رعایت می‌کرده تا «جوانمرد» محسوب می‌شده است. از جمله مهم‌ترین این فتوت‌نامه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فتوت‌نامه چیت‌سازان، فتوت‌نامه قصابان و سلاخان، فتوت‌نامه بتایان، فتوت‌نامه حمامیان و سلمانیان، فتوت‌نامه طبّاخان، فتوت‌نامه سقاییان، فتوت‌نامه آهنگران، فتوت‌نامه خبازان و غیره تشکیلات فقیان از حیث تاریخی از اواسط قرن اول قمری شکل می‌گیرد؛ یعنی از زمانی که ایرانیان در گوشه و کنار و مخصوصاً در شرق ایران و بیشتر در سیستان و خراسان در برابر بیدادگری‌ها و تعصب قومی امویان و دست‌نشانگان ایشان در ایران برخاستند. راهنمای این جنبش‌های مردانه‌ی ملی، بیشتر جوانمردان و فقیان بودند. پیوستن الناصردین لاهور خلیفه‌ی عباسی به گروه جوانمردان و پوشیدن سراویل (لباس خاص فقیان) از وقایع مهم و قابل‌توجه تاریخ فتوت است. نکته قابل‌توجهی که از بررسی منابع اهل فتوت به دست می‌آید این است که فتوت‌نامه‌ها به‌تدریج از توضیح و ترویج مقاصد سیاسی و عیاری به سمت مقاصد صنفی پیش رفته است؛ به‌نحوی که آیین فتوت پس از انقراض خلافت عباسی و به‌طور خلاصه بعد از قرن ۷ قمری (دوره ایلخانان)،

صنعت و صنعت‌گری در عصر ملامت‌درا ماشینی نبوده است و همه مراحل آن با دخالت مستقیم دست انسان انجام می‌شد، اما قابل‌تأمل است که این فیلسوف، صنعتگر را با توجه به تولیدات و ساخت‌وسازهایش هنرمندی می‌داند که فعالیت‌هایش کاملاً زیبایی‌شناسانه است و رابطه بین صنعتگر و مصنوعش را کاملاً هنری دیده است.

است. این گرایش‌های فکری عبارتند از: کرامیه، ملامتیه، صوفیه و اصحاب فتوت. از سوی دیگر فتوت‌نامه‌ها مجموعه‌ای از قوانین نظری جهت تولید صنایع (آثار هنری) و شکوفایی معنوی را در خود گنجانده‌اند. همان‌طور که پیش‌ازاین گفته شد، مجموعه قواعد و آیین‌نامه‌های حاکم بر نحوه تولید آثار هنری (صنایع عملی) در جهان اسلام در قالب متون موصوف به فتوت‌نامه تنظیم و تدوین شده است؛ بنابراین می‌توان این قواعد را موردبررسی و واکاوی قرار داد و از بطن آن‌ها به آداب معنوی حاکم بر هنر در سرزمین‌های اسلامی دست یافت. در واقع هنر در عالم اسلام ارتباط مستقیمی با فتوت داشته است؛ یعنی کسی که می‌خواسته وارد صنعت یا پیشه‌ای شود، باید وارد طریق فتوت می‌شده و اصطلاحاً به مقام «فتی» می‌رسیده است.

۴- فتوت‌نامه‌ها را می‌توان به دو گروه صنفی و غیر صنفی طبقه‌بندی کرد:

الف) مهم‌ترین فتوت‌نامه‌های غیرصنفی به شرح زیر هستند: «فتوت‌نامه نجم‌الدین ابوبکر محمد بن مودود ظاهری تبریزی معروف به نجم‌الدین زرکوب (درگذشت: ۷۱۲ ه.ق)، فتوت‌نامه کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی (درگذشت: ۷۳۰ یا ۷۳۵ ه.ق)، فتوت‌نامه شمس‌الدین آملی، فتوت‌نامه شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی (متوفی: ۶۳۲)، فتوت‌نامه علاءالدوله رکن‌الدین ابوالمکارم محمد بن شرف‌الدین احمد بن محمد بیابانکی (۶۵۹-۷۳۶ ه.ق)، فتوت‌نامه امیر سیدعلی بن شهاب‌الدین بن میر سیدمحمد حسینی همدانی (۷۱۳-۷۸۶ ه.ق) و فتوت‌نامه سلطانی از کمال‌الدین یا معین‌الدین حسین بن علی کاشفی بیهقی هروی واعظ معروف به ملاحسین کاشفی درگذشته در ۹۱۰ ه.ق که مفصل‌ترین کتاب در این زمینه است»، بخش‌هایی از فتوت‌نامه مولانا ناصری سیواسی، رساله‌ای در فتوت از احمدبن محمد بن محمد طوسی، رساله‌ی آداب المشقمیرعمادالحسنی که به خط خود او تحریر شده است.

ب) فتوت‌نامه‌های صنفی؛ نشان‌گر آمیختگی میان شغل با دین‌داری یا اصول اخلاقی

ب) قائل شدن یک منشأ قدسی برای صنایع در فتوت‌نامه‌ها: از جمله اصطلاحاتی که جنبه انتساب در فتوت‌نامه‌ها را مشخص می‌کند، اصطلاح میان بستن یا همان کمر بستن است؛ این عبارت در فتوت یعنی که هنرمند نزد چه کسی وارد طریق فتوت شده یا به عبارتی مشرف شده است. برای اینکه آن هنر یا صفت را اخذ کند، باید وارد یکی از آن طریقه‌ها می‌شد، چنانچه «اولاً حضرت رسول میان مولا را بست و مولا میان سلمان را»؛ یعنی اینکه علی به واسطه حضرت رسول و سلمان به واسطه علی وارد طریقت شد. بسیاری از رسائل اهل فتوت به پیامبران بنی اسرائیل یا امیرالمؤمنین علی (ع) و دیگر امامان شیعه منسوب است. باید توجه داشت این انتساب از حیث تاریخ در مفهوم آفاقی آن (تاریخ واقعی) قابل دفاع نیست، اما از حیث تاریخ انفسی (تاریخ مبتنی بر اسطوره‌ها و داستان‌ها) پذیرفتنی است. پیشوای صنف چیت‌سازان ششمین امام شیعی، امام جعفر صادق (ع) بود و این جبرئیل بود که نخستین مرتبه رنگرزی پارچه را به انسان تعلیم داد.

ج) وجود شاخص‌هایی برای ورود یک صنعت به سلک فتیان:

- ضرورت اشتغال به کار با قابلیت درآمد و پرهیز از بار نهادن بر گردن مردم،
 - جدایی صنعت از فعل حرام و ضرورت به روزی حلال انجامیدن،
 - مکروه نبودن آن صنف،
 - ضرورت اقبال مسلمین به صنعت به‌عنوان لازمه تشرف به اصحاب اهل فتوت،
 - ضرورت مراقبت مستمر از اجرای قواعد.
- ۷- روش اهل فتوت در انتقال صنایع به متعلمین از حیث تربیت معنوی
- فتوت‌نامه در میان اصناف و حرفه‌ها، بیشترین تأثیر آموزشی و تربیتی را در وفاداری به اصول اخلاقی و انسانی به همراه داشته و شخصیتی معنوی از صاحبان حرفه‌ها و اصناف می‌ساخته‌اند. با تکیه بر این متون می‌توان ساختار آموزشی آن‌ها را شناسایی نمود. این ساختار از یک سو در هر حرفه و صنفی توسط صاحبان همان صنف تدوین می‌شده تا اصول



طباخ، نانوا، بقال، سقا، قصاب. دکتر محمدرضا محجوب نیز به همین منوال هفده صنف را شناسایی می‌کند که عبارتند از: درویش، روضه‌خوان، چاووش، سقا، بابا، پهلوان، بوجار، شاطر، مکاری، قصاب، نعل‌بند، شب‌رو، جلودار، پارمدوز، غسال، سلمانی، قهوه‌چی و غیره به نظر می‌رسد دیدگاه متصوفه در این تقسیم‌بندی نیز مبتنی بر موضوع کار و نوع پیشه است.

۶- فتوت‌نامه‌ها دارای سه ویژگی مشترک هستند:

الف) ترتیب ذکر مطالب در آن‌ها از الگوی یکسانی تبعیت می‌کند؛ معمولاً ترتیب این کتاب‌ها این‌گونه است که ابتدا راجع به کلمه فتوت سخن گفته می‌شود و بعد در مورد اصناف هنرمندان یا پیشه‌وران یا اهل صنعت و اینکه هر یک از این‌ها چه اصطلاحاتی دارند و چه کاری انجام می‌دهند؛ همچنین اینکه اصل و ریشه‌اشان به چه کسی می‌رسد و از این قبیل مباحث.

و جهان اسلام در بصره بودند، تعریفی دیگر از صنایع داشتند. آنان صنایع را بر حسب موضوع طبقه‌بندی کرده‌اند: ۱) صنایع روحانی که شامل کارهای فکری بود، ۲) صنایع جسمانی که کارهای دستی را دربر می‌گیرد. این صنایع به صناعی که موضوع آن‌ها بسیطند، تقسیم می‌شوند؛ مانند پیشه‌هایی که با آب، چون ملاحی و سقایی و شناگری و خاک، چون چاه‌کنی و نهرسازی و آتش، مانند کارگری گلخن و هوا، چون نوازندگی نی و بوق سروکار دارند.

ب) الگوی مبتنی بر عقاید متصوفه: بر این اساس عقاید متصوفه، هفده صنف را شامل می‌شود که در هر یک شرایط و آداب و رسوم مربوط به آن صنف شرح داده شده است. درویشان پارسی که بیشتر آنان پیشه‌ور بودند، خود را هفده صنف یا در اصطلاح هفده سلسله می‌دانستند که عبارتند از: درویش، قاری قرآن، روضه‌خوان، مؤذن، چاووش، حمامی، سلمانی، کفش دوز، سرآج، کهنه‌سوار، پهلوان،

دستور پذیری شاگرد از استاد جزء لاینفک در فتوت‌نامه‌ی تمامی اصناف بوده و بسیار بر آن تأکید شده است. در فتوت‌نامه‌ی استادان سابق نهاده‌اند که هرکس خدمت استاد به‌جا آورد، معطل نماند و کارش نظام گیرد و از صنعت خود بهره‌ور گردد و آداب دستور و قواعد اجازت‌پیر و استاد است که باید به‌سر شود و خدمت‌پیر و استاد به‌جا آورد تا در وقت حجت مردان طریقت درنماند و باید که مأمور به امر استاد بوده باشد و این مذکور را به طریق واجب و لازم دانسته باشد» فتوت‌نامه‌ها راه ترقی شاگردان را در قالب آیین‌نامه‌های ارتقا باز گذاشته‌اند. برای ارتقا از درجه‌ای به درجه‌ی بالاتر همان‌گونه که اهلیت شرط است، مهارت در صنعت و صبر هم شرط است.

۹- استاد و شاگردی به‌عنوان شاه‌کلید آموزش صنایع در فتوت‌نامه‌ها: در آیین فتوت اصناف هر یک از القاب شیخ، استاد، خلیفه، مبتدی، نقیب، ولی، پیر، شاگرد، استاد مقام صاحبان آن لقب را بیان می‌کند. برای رسیدن به‌مراتب بالاتر نه‌تنها اهلیت شرط است که فرد می‌بایست در هر صنعت مهارت لازم را کسب کند. جوانی که به صنفی می‌پیوندد تا مهارت کسب کند اگر زمانی صرف نکند و در کسب مهارت شکبیا نباشد، ارتقا نخواهد یافت و اجازه‌گشودن دکانی نخواهد داشت. برای هر صنف شیخی در نظر گرفته می‌شد که به او رییس نیز می‌گفتند؛ مانند شیخ ملاحان و شیخ اطبا و شیخ بزازان. از شرایط انتخاب او این بود که آگاه به مذهب و آیین اسلام باشد؛ ثروت ملاک نبود. براین اساس صنعتگر یا شاگرد، فردی بود که می‌خواست صنعتی بیاموزد تا بعدها آن را پیشه خود سازد. او به استاد در کارش کمک می‌کرد و گاهی هم استاد به او مزدی می‌داد. پدر عهد، استاد، خلیفه کسی بود که هر صنعتگر از او صنعت و حرفه یا هنر می‌آموخت. استاد به صنعتگران عهد می‌بخشید و این در صورت اطمینان استاد از کفایت فن و فهم شاگرد بود که در اجرای طرح‌ها و ساخت‌وسازها

کرباس‌بافی منسوب به شیت نبی (ع) شده است. این کوشش نوعی ارتباط میان شغل و عبادت را تداعی می‌کند. جنبه اسطوره‌بخشی به مشاغل و گره زدن آن‌ها به سنت نبوی و جنبه‌ی قدسی دادن به حرفه‌ها در بسیاری از فتوت‌نامه‌ها مشهود است. به‌طوری‌که منشأ هریک از مشاغل به یکی از انبیا و قدیسان برمی‌گردد و حتی اگر به نام‌گذاری مشاغلی همچون سلمانی نیز در فتوت‌نامه‌ها نگریسته شود، آن را منتسب به معراج پیامبر اسلام و سلمان فارسی می‌دانند و حتی گاه سبک و سیاق بیان آن‌ها به روش قصه‌گویان و مذکران مساجد و خانقاه‌ها شبیه می‌گردد.

۸- روش اهل فتوت در انتقال صنایع به متعلمین از حیث تربیت عملی: تدوین شرایط ویژه برای شاگردی، اعتقاد به سلسله‌مراتب، اجرای نظام استاد و شاگردی سخت‌گیرانه و تدوین آیین‌نامه‌ی ارتقا، راهکارهایی است که در فتوت‌نامه‌ها بدان توجه شده است تا متعلم از حیث حرفه‌ای در صنعت زمینه‌ای خود به رشد و پیشرفت دست یابد. شش شرط بر طبق فتوت‌نامه ابن معمار برای پذیرش یک فرد در جرگه اهل فتوت ذکر شده است: شرایطی مانند مرد بودن، بلوغ، برخورداری از سلامت عقل، تدین، استقامت حال (عدم وجود نقص ظاهری) و مروت. این شرایط نشان می‌دهد که فقیان پذیرای هر شخصی برای عضویت در مسلک خود نبودند و در این راه قایل به گزینش بوده‌اند.

فتوت‌نامه در میان اصناف و حرفه‌ها، بیشترین تأثیر آموزشی و تربیتی را در وفاداری به اصول اخلاقی و انسانی به همراه داشته و شخصیتی معنوی از صاحبان حرفه‌ها و اصناف می‌ساخته‌اند. با تکیه بر این متون می‌توان ساختار آموزشی آن‌ها را شناسایی نمود. این ساختار از یک‌سو در هر حرفه و صنفی توسط صاحبان همان صنف تدوین می‌شده تا اصول حرفه‌ای صناعات به کمال در ترکیب با اصول اخلاقی رعایت شود.

حرفه‌ای صناعات به کمال در ترکیب با اصول اخلاقی رعایت شود؛ به‌عنوان مثال فتوت‌نامه چیت‌سازان توسط چیت‌سازان تدوین می‌شده و آهنگران در پیدایش آن نقشی نداشتند و برعکس. از سوی دیگر اصول اخلاقی حاکم بر فرایند آموزشی در فتوت‌نامه‌ها با پوششی از سلسله‌مراتب سخت‌گیرانه ارائه می‌شده تا متعلم در این فرایند رشد تدریجی نماید. کلیات آموزشی هنر اسلامی در فتوت‌نامه‌ها را می‌توان در دو بخش طبقه‌بندی نمود؛ یکی شامل ارائه برنامه‌ی تربیت معنوی متعلمین است و دیگری بر تربیت حرفه‌ای آن‌ها به‌عنوان صاحب یک شغل تأکید دارد. ناگفته نماند که تمیز مرزهای این دو راهکار دشوار است زیرا در فتوت‌نامه‌ها تربیت معنوی و تربیت حرفه‌ای نتیجه یکدیگر بوده‌اند و عملاً همگام با یکدیگرند. بخشی از تربیت معنوی شاگردان در نظام آموزشی هنر اسلامی با تکیه بر فتوت‌نامه‌ها شامل تأکید بر ذکر مداوم است به‌گونه‌ای که شاگرد در هر یک از اعمال موردنیاز پیشه خود، تجلی یادی از خداوند را ببیند؛ به‌عنوان مثال در فتوت‌نامه‌ی فلزکاران و زرگران آمده است: «اگر تو را پرسند که خابسک بر سندان می‌زنی چه می‌خوانی؟ بگو قوله تعالی بسم‌الله و توکلت علی‌الله و ما توفیقی الا بالله العلی‌العظیم». اگر تو را پرسند که کوره را راست سازی و در کوره که آتش آری چه می‌خوانی؟ بگو که این آیت باید بخوانند: «و هو بکلّ شیء علیم الذی جعل لکم من أشجر الاخضر نارا فإذا أنتم منه توقدون» اگر تو را پرسند که آهن و فولاد که تاب‌گذاری چه می‌خوانی؟ بگو: «لا اله الا الله الواحد القهار لا الا الله الکریم الستار لا اله الا الله العزیز الجبار».

• راهکار دیگر فتوت‌نامه‌ها در تربیت معنوی شاگردان توجه دادن آن‌ها به اهمیت والای پیشه و حرفه‌شان از راه انتساب آن شغل به یکی از پیامبران الهی؛ به‌طور مثال در فتوت‌نامه‌ی چیت‌سازان گفته شده که لوط پیامبر به‌وسیله جبرئیل، هنر رنگرزی پارچه را آموخته است و جبرئیل استاد تهیه‌ی رنگ خوانده شده است و یا در فتوت‌نامه‌ی آهنگران آمده که آهنگری منسوب به داود نبی (ع) و یا

دستیار استاد محسوب می‌شد. ریاست یا شیخ فردی بود که به تبیین نرخ‌ها با مشورت محتسب و تعیین مالیات هر استاد می‌پرداخت. او علاوه بر داشتن قدرت مالی، صندوقداری، گزینش و ریاست را نیز بر عهده داشت. از کارهای مهم شیخ جمع کردن کمک‌های مردمی و موقوفات و کارهای مربوط به نظارت بر هزینه‌ها و موافقت با پیوستن هنرمندی به صنف بود. گاه نقیب در رتبه‌های بالاتر از شیخ قرار داشت و گاه دستیار شیخ بود و یکی از مهم‌ترین وظایف او اجرای تشریفات (کمرستن) بود. پیر بالاترین مرتبه هر صنعت به حساب می‌آمد. صاحب این مرتبه که یکی از افراد صنف بود، به فضل و علم و بسیاری تجربه و عادت در آن حرفه از دیگران ممتاز می‌گردید. او در کلیه امور نماینده صنف بود.

جمع‌بندی

۱. پیشینه‌ی فتوت‌نامه‌نویسی در ایران بعد از اسلام به چندین منبع معتبر برمی‌گردد؛ مانند فتوت نامه سلطانی و فتوت نامه همدانی.
۲. تعالیم اهل فتی بعد از اسلام گرایش شیعی یافت؛ چنانچه مروت و آدبش را از علی (ع) و خاندان طاهرینش پیروی کرده و نمونه آن برای میان بستن و ورود به اهل فتی از روش شراب نوشیدن قبل از اسلام به نان‌ونمک امام علی (ع) تأسی کرده‌اند.
۳. قواعد حاکم بر صاحبان اصناف را بر مبنای فتوت و قواعدش تدوین می‌کردند.
۴. سلسله‌مراتب سلوک و عرفان در نظام استاد و شاگردی از طبقات عرفانی مؤثر بوده است.
۵. ماندگاری و عظمت آثار هنری با سلوک فردی و طریقتی اصناف ارتباط داشته است و صاحبان اصناف با قواعد حاکم بر صنف خود به آموزش حرف پرداخته‌اند. ♦♦

منابع

- امام جمعه، سید مهدی (۱۳۹۰)، «رویکرد حکمت متعالیه به هنر اسلامی» جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (مجموعه مقالات و

درس‌گفتارها) به اهتمام هادی ربیعی، تهران: فرهنگستان هنر، صفحات ۹۵ تا ۱۲۹.

- بلخاری، حسن (۱۳۹۰)، «رویکرد اخوان‌الصفای به هنر اسلامی» جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (مجموعه مقالات و درس‌گفتارها) به اهتمام هادی ربیعی، تهران: فرهنگستان هنر، صفحات ۱۲۹ تا ۱۶۹.

- پازوکی، شهرام (۱۳۸۴)، حکمت هنر و زیبایی در اسلام، فرهنگستان هنر.

- پازوکی، شهرام (۱۳۸۶)، «معنای صنعت در حکمت اسلامی، شرح و تحلیل رساله صناعیه میرفندرسکی» مجله علمی پژوهشی خردنامه صدرا، شماره ۴۸، صفحات ۹۵ تا ۱۰۱.

- پازوکی، شهرام (۱۳۹۰)، «رویکرد عرفانی به هنر اسلامی» جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (مجموعه مقالات و درس‌گفتارها) به اهتمام هادی ربیعی، تهران: فرهنگستان هنر، صفحات ۵۳ تا ۶۱.

- تیشنر، فرانتس (۱۳۳۵)، «گروه فتوت کشورهای اسلامی و نوع ظهور گوناگون آن‌ها مخصوصاً در ایران و کشورهای هم‌جوار» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۴، ش ۲، صفحات ۷۴ تا ۹۶.

- حاکمی، اسماعیل (۱۳۸۲)، آیین فتوت و جوانمردی، تهران: اساطیر.

- راوندی، مرتضی (۱۳۴۷)، تاریخ اجتماعی ایران: تهران: انتشارات امیرکبیر.

- رضوی، مسعود (۱۳۸۹)، در مذهب ارباب فتوت: نوشتاری درباره‌ی ملاحسین واعظ

در آیین فتوت اصناف هر یک از القاب شیخ، استاد، خلیفه، مبتدی، نقیب، ولی، پیر، شاگرد، استاد مقام صاحبان آن لقب را بیان می‌کند. برای رسیدن به مراتب بالاتر نه تنها اهلیت شرط است که فرد می‌بایست در هر صنعت مهارت لازم را کسب کند. جوانی که به صنفی می‌پیوندد تا مهارت کسب کند اگر زمانی صرف نکند و در کسب مهارت شکیبیا نباشد، ارتقا نخواهد یافت و اجازه‌ی گشودن دکانی نخواهد داشت.

کاشانی و فتوت‌نامه سلطانی، شماره ۵۴، صفحات ۱۹ تا ۲۵.

- سبحانی، توفیق (۱۳۸۹)، «ملاطیان و فتوتیان» مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۵۴، صفحات ۸ تا ۱۳.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، قلندریه در تاریخ، تهران: انتشارات سخن.

- علاقه، فاطمه (۱۳۷۷)، «مروری بر فتیان و فتوت‌نامه‌ها» مجله‌ی فرهنگ، شماره ۲۵ و ۲۶، صفحات ۲۹ تا ۳۱.

- غنی، قاسم (۱۳۸۹)، تاریخ تصوف و تطورات و تحولات مختلفه‌ی آن از صدر اسلام تا عصر حافظ، تهران: زوار.

- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۰)، «کار در فتوت‌نامه‌ها (مرام‌نامه‌های صنفی - طریقتی، خودانگیخته و خود پذیرفته ایرانیان)» مجله‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی، شماره ۸، صفحات ۱ تا ۳۶.

- فیزایی، بهمن (۱۳۸۷)، «بررسی سنت‌های آموزش هنروری در فتوت‌نامه‌ها» مجله‌ی آینده‌ی خیال، شماره ۱۱، آذر و دی‌ماه صفحات ۱۲۸ تا ۱۳۱.

- کاتب، فاطمه و شمیلی، فرنوش (۱۳۹۱)، «آیین فتوت و نظام آموزشی هنرها و صنایع در ایران» مجله علمی - ترویجی پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، سال ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان، صفحات ۹۹ تا ۱۰۸.

- کربن، هانری (۱۳۶۴)، آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران: نشر نو.

- موسوی، سیدرضی (۱۳۹۱)، «هنر اسلامی در آیین فتوت‌نامه‌ها با تأکید بر فتوت‌نامه چیت‌سازان» مجله علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۵، پاییز و زمستان، صفحات ۲۱ تا ۳۴.

- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، دانشنامه‌ی جوانمردی (فتوت) ریشه‌ها و خاستگاه‌ها، تهران: امیرکبیر.

- یزدان پناه، حسن و ایزدی دهکردی، سیده مریم و گل احمر، احسان (۱۳۹۴)، پژوهشی در آداب معنوی آموزش هنر اسلامی بر پایه‌ی فتوت‌نامه‌ها، اولین همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی.